

انتظارِ کامل بودن...

وقتی از اطرافیان انتظار بی‌نقص بودن داریم، وقتی می‌خواهیم در هر چیز بهترین و کامل‌ترین باشیم، ندانسته و ناخواسته عواقبی را برای‌شان رقم می‌زنیم که سال‌ها بعد خود را نشان می‌دهد. بخصوص در جامعه امروز ما که پُر است از پدران و مادران آرمان طلب که قصد کرده‌اند از فرزندان خود اساتیدی بی‌بدیل بسازند: از موسیقی و درس گرفته تا ورزش و زبان‌های خارجه!

بچه‌ها عادت می‌کنند دائم در این مسابقه بی‌پایان تلاش کنند، مستقیم و غیرمستقیم با دیگران مقایسه شوند و کامل بودن را وظیفه خود بشمارند. دیگر خبری از دنیای کودکی نیست و خطا کردن گناهی بزرگ شمرده می‌شود. این اثرات در ذهن بچه‌ها می‌ماند و بزرگ می‌شوند و بدون داشتن خاطره‌ای خوش از کودکی و نوجوانی، وارد جامعه می‌گردند. آنگاه و در اولین فرصتی که توان فرار از کامل بودن را پیدا می‌کنند عکس‌المعمل‌های عجیبی از خود بروز می‌دهند. رفتاری که بسیاری از آنها را دیده‌ایم و یا با تعجب شنیده‌ایم. در این شرایط کافی است اولین جملات زیبا از زبان یک غریبه شنیده شود. جملاتی که او را با آنچه اکنون هست می‌ستاید، با تمامی خوبی‌ها و بدی‌هایش. بدون آن که نیازمند تظاهر به بهترین بودن باشد. حالا یکی پیدا شده که در گوش او می‌گوید تو با همین‌ها که هستی خوبی، نیازی نداری با دیگران قیاس و احیاناً سرزنش شوی. تو زیبایی، همین طور که هستی. تو باهوشی حتی اگر حرف اشتباهی بزنی، تو بدون زدن یک ساز یا داشتن اندامی خاص و ورزیده و حتی نفر اول در درس شدن خوب و کاملی... تو از نظر من بهترینی!

اولین حرف‌های دل‌نشین برای کسی که عادت کرده به شنیدن این که چه باید باشد و چه نباشد چه اندازه تاثیر گذار است؟ و همواره کسی یا کسانی بوده‌اند که با آنها مقایسه شود!

دیگر این که چنین کلماتی از زبان چه کسی گفته شده اهمیتی ندارد و بی‌تردید بر دل می‌نشیند و او را مطمئن می‌سازد که بهترین شخص را یافته که خود وجودی‌اش را درک می‌کند و او را فقط برای آنچه هست می‌خواهد، نه آنچه باید باشد!

همیشه سبک قصه‌گویی این نویسنده پرترفدار را ستوده‌ام: روایتش را از وسط شروع می‌کند و در پرده‌ای از ابهام به ریشه‌ها می‌پردازد بدون آن که خواسته‌اش را مستقیم در ذهن مخاطب بنشانند. او مخاطب را وامیدارد به آنچه در نظر اوست فکر کند و چه سوژه‌ای بهتر از زنان که وجه اشتراکشان در جوامع مختلف بسیار است.

این کتاب او نیز چنین وصفی دارد. مقدمه بالا با توجه به ذهنیت او می‌تواند پیش‌پرده‌ای باشد بر آنچه که در پایان قصه برای ما می‌ماند. فراموش نکنیم مهم‌ترین نتیجه قصه‌خوانی به سبک رمان همین تفکر در کنار احساس لذت، سرگرمی و کسب تجربه از زندگی دیگران است. شاید کتابهای او هیچکدام بدون این ویژگی‌ها نباشند ولی هر کدام به شکلی مستقل به مسائل مورد نظرش پرداخته‌اند و با نکته‌بینی و ظرافتِ قلم نویسنده بردل مخاطب رمان خوان ایرانی هم نشسته است. او در این کار مهارت خاصی دارد!

بهمن رحیمی

آذر ماه ۱۳۹۶ — تهران